

رهیافت الگوی سلامت معنوی بر مبنای ادراکات معرفت شناختی

مریم شمسایی^۱، سید ضیاء الدین تابعی^۲

چکیده

هدف: یکی از مباحث قابل تأمل در بعد مبانی سلامت معنوی از دیدگاه اسلام نسبت میان مبانی معرفت شناختی و سلامت است از این جهت نیازمند ژرف نگری و نظریه پردازی اندیشمندان حوزه دین و سلامت می‌باشد. در این پژوهش هدف بیان رهیافت الگوی سلامت معنوی بر مبنای ادراکات معرفت شناختی می‌باشد.

روش بررسی: در این پژوهش از روش - توصیفی تحلیلی و استنتاجی با بهره بردن از منابع کتابخانه‌ای در توصیف مفاهیم، تحلیل و تبیین مسئله، استفاده شده است.

یافته‌ها: جهت حصول به پاسخی مستوفی در باب معنای سلامت انسان، بایستی از چشم انداز فلسفی کاملی به انسان نظر نمود که عنایت ویژه‌ای به کل ابعاد وجودی وی داشته باشد. از آنجایی که اسلام دین توحیدی بوده افزون بر اذعان داشتن به کاربرد حس، تعقل، شهود و اشراق در حوزه‌های خویش، قرآن و سیره نبوی را به عنوان مأخذ پایدار و بدون خلل در راستای معرفت‌شناسی به بشر اهدا نموده است. و همچنین اسلام می‌تواند کل ابعاد وجودی انسان و تمام ابعاد سلامت را در پارادایم دینی تبیین نموده و اثربخشی وضعیت روحی انسان بر سلامت یا بیماری جسم او را بیان داشته و روش‌های ثمربخشی جهت التیام آلام روحی بیماران عرضه نماید. **نتیجه‌گیری:** با نگاه معرفت شناسانه به بدن در می‌یابیم که جسم مرتبه نازله نفس می‌باشد. کالبد نفس، تن است که در آن کالبد تصرف و بدان تعلق داشته و آثار وجودی روح و عالم نفس در این بدن جسمانی پیاده می‌گردد، لذا از دستاوردهای مبانی شناخت شناسانه، روح و نفس انسان است که صحت بدن تابع آن می‌باشد.

کلمات کلیدی: سلامت معنوی، معرفت‌شناسی، ادراکات

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی و مرکز تحقیقات قرآن، حدیث و طب دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران shamsaie2008@yahoo.com

۲. استاد ممتاز پاتولوژی و گروه اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران ethics@sums.ac.ir

مقدمه

از مسائل مهم بررسی مبانی سلامت معنوی، بحث و کاوش در حوزه، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است که نقش تعیین کننده‌ای در روش، محتوا و جهت‌گیری مسائل مربوط به این حوزه را دارد. یکی از جهات مهم، بررسی سلامت از چشم انداز شناخت‌شناسی می‌باشد. مکتب اسلام با استفاده از اعتقادات، احکام گفتاری و رفتاری و ملکات اخلاقی موجب خلق فلسفه اسلامی گردیده یعنی شناخت بهترین چیزها با برترین دانش‌ها که این امر باعث ایجاد سبک زندگی کارآمد و جامعی برای پیروان خود در جهان شده چرا که جهان‌بینی الهی تأمین کننده سعادت و تعالی انسان‌ها بوده و دربرگیرنده تمام شئون زندگی افراد می‌باشد. سلامت معنوی در چارچوب نگرش فلسفه اسلامی با بهره‌گیری عمیق از مبانی تفکر اسلامی (قرآن و سنت) می‌تواند شالوده‌ای محکم برای تعالی ابعاد وجودی انسان‌ها ایجاد نماید.

سلامت معنوی از انتهای دهه هشتاد میلادی تحت عنوان یکی از ابعاد چهارگانه سلامت مورد عنایت عرصه علوم پزشکی واقع گردید، لیکن به جهت مغایرت فرهنگی، اجتماعی و معنوی در جوامع متعدد تا این زمان وصف مشترکی از آن عرضه نشده است. از این رو تعاریف متباینی از آن اظهار گردیده که برخی از آنها با تعریفی که بر پایه آموزه‌های دینی در اسلام تحقق یافته، ممکن است متمایز می‌باشد. واژه معنویت^۱ مصداق "امور غیر مادی" فوق طبیعی و مرتبط با روح و روان انسان می‌باشد. (۱) الیسون معنویت را با دو مولفه مرتبط می‌داند: ۱- سلامت (بهزیستی) مذهبی ۲- سلامت (بهزیستی) وجودی. سلامت مذهبی را یک عنصر مذهبی دانسته که نشانه ارتباط با یک قدرت برتر یعنی خداست و بهزیستی وجودی یک عنصر روانی - اجتماعی است و نشان از درک فرد از کیستی، چپستی، چرایی و کجایی می‌باشد. اگرچه این دو مولفه منفصل از یکدیگرند اما با

یکدیگر در تعامل می‌باشند (۲).

در نگرش مکاتب مادی سلامت معنوی دربردارنده احساسات ملموسی از جمله امید، آرامش و نشاط است که بر فعالیت‌هایی چون هنر، ورزش و تکنیک‌های تمدد اعصاب تمرکز می‌نماید که سلامت معنوی منحصراً در راستای معالجه امراض استعمال می‌گردد. (۳) بدان سبب که در مکاتب ماتریالیسم انسان تک ساحتی بوده و کلیه عواطف و احساسات و حالات روانی و معنوی وی منقاد کالبد جسمی وی می‌باشد و راه‌های شناخت به وسیله انسان را منحصراً حس و تجربه می‌پندارند. اما در نحله‌های الهی شناخت، جستجو و محوریت الهی، معرفت به غایت آفرینش و هستی و اهتمام در راستای تکامل معنوی و تزکیه و تهذیب نفس را به عنوان مبانی سلامت معنوی معرفی می‌کنند. (۴) بنابراین در مکاتب الهی انسان منحصراً شامل بعد مادی، نمی‌باشد. بلکه علاوه بر جسم دارای روح نیز می‌باشد و راه‌های دستیابی به شناخت منحصر به حس و تجربه نبوده بلکه شامل عقل، شهود باطنی و وحی نیز می‌باشد.

سلامت معنوی از دیدگاه فرهنگ اسلامی اینگونه تعریف می‌گردد: "وضعیتی است هدفمند و معنادار از حیات انسانی که حاصل ایمان و اعتقاد و ارتباط فرد با قدرت و کمال لایتناهی الهی و زندگی ابدی پس از مرگ است. سلامت معنوی منجر به ایجاد نشاط، امید، رضایت مندی، اطمینان قلبی، آرامش و داشتن قلب سلیم در فرد و رستگاری در دنیا و آخرت شده و ارتباط پویای مبتنی بر مکارم اخلاق، عشق و محبت با خود و دیگران و جهان پیرامون ایجاد می‌کند." (۵)

با عنایت به اینکه ابعاد وجودی انسان شامل دو بعد جسمانی و روحانی می‌باشد و همچنین روح متضمن اصالت و جاودانگی بوده از این رو سلامتی روح از اعلی ترین مراتب سلامت می‌باشد و متعالی ترین میزان سلامتی به دارا بودن قلب سلیم می‌باشد. در قرآن نیز پروردگار به قلب سلیم که یکی از ابعاد سلامت معنوی می‌باشد اشارت فرموده و در سوره شعرا آیات ۸۸ و ۸۹

1. Spirituality

می‌فرماید فرماید: " یَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ. روزی که نه مال سود می‌دهد و نه فرزندان؛ مگر آن کس که با قلبی رسته از شرک به نزد خدا بیاید. " از این رو قلب سلیم به معنای قلبی است که از هر نوع بیماری و لغزش اخلاقی دوری گزیند. در این راستا امام علی(ع) می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا رَزَقَهُ قَلْبًا سَلِيمًا وَ خُلُقًا قَوِيمًا؛ هر گاه خداوند بنده‌ای را به دوستی خود برگزیند به او سلامت قلب و نیکی خُلق عطا می‌کند» (۶)

روش بررسی

در این مقاله از روش - توصیفی تحلیلی و استنتاجی با بهره بردن از منابع کتابخانه‌ای در توصیف مفاهیم، تحلیل و تبیین مسئله استفاده شده است. محقق با نگرش فلسفی و دینی به تدوین مبانی سلامت معنوی پرداخت که ابتدا دانش معرفت‌شناسی را به مثابه علمی جدا مفروض انگاشته و سپس به اخذ گزاره‌های ناظر به سلامت معنوی از درون ادراکات معرفت شناختی می‌پردازد تا مبانی سلامت معنوی را به نگارش در آورد. اخذ مبانی از گزاره‌های علوم مربوط به روش عقلی و استدلالی بوده و به روش استنتاجی به تدوین جایگاه سلامت معنوی از مبانی آن پرداخته شده است.

تحلیل یافته‌ها

ادراکات معرفتی

نفس از رویکرد علمی دارای سه جزء می‌باشد: ۱- نفس نباتی(اوایل جنینی)، ۲- نفس حیوانی(اوایل زندگی) ۳- نفس انسانی که به وسیله استفاده از عقل میسر می‌گردد. یکی از ابعاد بررسی و شناخت نفس، معرفت‌شناسی می‌باشد که از پرسش‌های اساسی در بحث معرفت شناختی این است که چه راه‌ها و ابزارهایی در راستای کسب و بهره‌مندی از شناخت مورد استفاده می‌باشد؟ بدین معنا که طریق و روشی که با آن می‌توان

معرفت‌های معتبر و یقینی را کسب نمود، کدام می‌باشد؟ جهت کسب معرفت‌های متعدد با بکارگیری راه‌ها و ابزار گونه‌گون حاصل می‌گردد. به گونه‌ای که هر شاخه از علم نیازمند روش و اسلوب مختص به خود می‌باشد. از منظر گستره راه‌ها و ابزارهای معرفت، ادراک‌ها و معرفت‌های بشر متنوع اند از جمله: ادراکات حسی، خیال، وهم، عقل، اشراق و شهود باطنی (الهام قلبی). بشر جهت درک حقایق عالم، اطلاعات ابتدا توسط حواس شش‌گانه را دریافت و سپس در مغز درک می‌شود و سپس وارد سیستم حافظه‌ای، می‌گردد. آنگاه ذهن انسان از اطلاعات به دست آمده تجرید انجام می‌دهد. و در نهایت وجود ذهنی فرد از ادراکات او به وجود می‌آید. از این جهت فیلسوفان و متفکرین متاله معتقدند که معرفت ما از جهان هستی شامل: حس، خیال، وهم، عقل، اشراق و شهود باطنی (الهام قلبی) می‌باشد. (۷) در واقع درک حقایق عالم از نوعی تکثر معرفتی بهره می‌برد. در واقع هر یک از قوا در منزلتی سودمند به حال انسان واقع می‌گردد. در ادامه به تبیین ابزارهای ادراکات شناختی می‌پردازیم. مبانی معرفت‌شناسی متفاوت زمینه‌ساز پدیداری نگرش‌های فلسفی مختلف می‌گردد. روش‌های حسی (تجربی)، استدلال عقلی، اشراق و شهود باطنی (الهام قلبی) منجر به دیدگاه‌های فلسفی متفاوت شده است (۷) معرفت برپایه وحی با خلق فلسفه دینی (ادیان توحیدی) بر دانش و پیش فرض‌های ذهنی تئوریسین در تولید علم و حتی نحوه استقرار پدیده‌ها و فرضیه سازی علمی اثر داشته و به علم رنگ فلسفه دینی می‌دهد (۸) در ادامه به تبیین ابزارهای ادراکات شناختی و تاثیر آنها بر سلامتی می‌پردازیم.

ادراکات حسی (معرفت حسی)

از دیدگاه فلاسفه اسلامی، قوه ادراک حسی سطح بالقوه نفس است که به واسطه صورت محسوس معرفت بالفعل می‌شود. ادراک حسی وجه معرفتی‌ای موازی با جهان محسوس است که پایین‌ترین درجه وجود را میان ادراکات دیگر دارد. (۹) بنابراین

۴. مدیریت استرس در جهت پیشگیری از بیماری‌های جسمی و روانی،
 ۵. انجام فعالیت فیزیکی مناسب
 ۶. رعایت رژیم غذایی سالم و تاثیر معنویات در حفظ سلامت روان (۱۲)

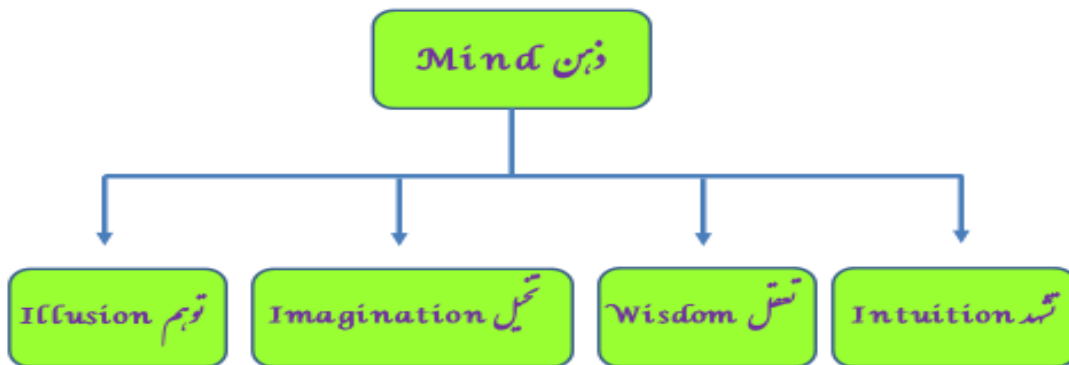
در تعلیم اسلامی نیز تاکید بر این ابعاد بوده و توجه به سلامتی جسمی که نشأت گرفته از حواس ظاهری می‌باشد می‌تواند سلامت معنوی را در پی داشته باشد لذا اکثریت مطالعات نشان داده‌اند که افراد معنوی / مذهبی توجه خاصی به دستورات دینی در رابطه با تغذیه و فعالیت بدنی داشته و همچنین باعث سایکونوروفیزیولوژیک در افراد گردیده یعنی احساس رضایت ناشی از دیدگاه معنوی از طریق نوروپیتیدهای پیام رسان روی سیستم‌ها و ارگان‌های بدن مانند قلب و عروق، ایمنی و... تاثیر تقویت کننده دارد.

مراحل چهارگانه ادراکات ذهنی:

وهم و خیال و عقل و شهود مراحل چهارگانه ادراکات ذهنی می‌باشد که در ادامه به آن می‌پردازیم:

یکی از منابع که در شناخت جهان هستی به کمک آدمیان می‌آید ادراک حسی است که باعث می‌شود جهان خارج را به واسطه حواس پنجگانه خود دریابیم. با توجه به اینکه از طریق حس هم تصور و هم تصدیق حسی بدست می‌آید؛ باید توجه داشت که تصورها ارزش علمی ندارند اما جهت تصدیق‌های حسی نیازمند تصورات حسی برای استدلال هستیم. (۱۰) بنابراین حس منبع و مرتبه شناخت ظاهری و نیز منشأ سلامت جسم می‌باشد و حواس ظاهری از آنگونه شئونی است که به موجب آن نفس با خارج ارتباط یافته که همان حواس پنجگانه می‌باشد. (۱۱) بر همین اساس سازمان جهانی بهداشت نیازهای معنوی را هم از ابعاد ارتقای سلامت و سبک زندگی برشمرده که آن را در شش بعد بیان نموده:

۱. بعد معنوی و اعتقاد به قدرت برتر خداوند در جهت حفظ سلامت روان،
۲. احساس مسئولیت در قبال حفظ و ارتقای سلامتی خود و جامعه،
۳. حفظ روابط بین فردی در جهت ارتقای بعد اجتماعی سلامت،



می‌باشد چرا که در روانپزشکی توهم به معنای درک نادرست و متمایز احساس است که سبب می‌شود ماده و جسم خارجی یا هر چیزی اشتباه و مجعول فهم گردد لذا در روانپزشکی توهم به این

منبع وهم (معرفت وهمی)

در ابتدا باید اذعان داشت که معنای معرفت وهمی یا Illusion در فلسفه با توهم در روانشناسی و روانپزشکی متفاوت

که انسان به دلیل قرار گرفتن در عالم مادی و جزئیات نیازمند آن است که ابتدا امور کلی را در قالب امر جزئی ادراک کند تا معنا و مفهوم امر کلی را بهتر درک کند. مثلاً برای درک مفهوم کلی محبت، درک محبت جزئی از سوی عقل جزئی نگر یا وهم یعنی محبت یک شخص معین است تا معنا و مفهوم محبت به طور کلی از سوی عقل کلی نگر یا مرتبهٔ عالی عقل دریافت شود. وهم سرکش به قول ملاصدرا منشأ خطای ذهن و راه نفوذ شیطان می‌داند. وهم در این مقام است که در مقابل عقل می‌ایستد و انسان را دچار خطا و گمراهی میکند. وهم و عقل همواره با یکدیگر در حال مبارزه اند و چه بسا وهم بر عقل غلبه می‌کند. ضروری انسان به سبب دارا بودن قوه و استعداد رسیدن به واقع می‌تواند از توجه به محسوسات و تخیلات بکاهد و از وهم فاصله گرفته و به سمت عالم عقل برود. معانی جزئی که توسط وهم درک می‌شود بوسیله حواس پنجگانه قابل درک نیست اما باید اذعان داشت که وهم به انداره مدرکات عقلی هم مجرد نمی‌باشد چرا که عقل سلطان قوای روحانی و وهم سلطان قوای جسمانی محسوب می‌گردد. جایگاه و مرتبه قوه وهم بالاتر از حس و پایین تر از عقل و شهود قرار دارد. (۱۸) براساس گفته صدرالمتألهین از آنجایی که هر فعلی مترتب بر نوعی آگاهی می‌باشد، و آگاهی مراتبی دارد، افعال انسانی در نهایت از عقل عملی، و افعال حیوانی از وهم سرچشمه می‌گیرد. (۱۹) زمانی ذهن، از عواملی که از خارج درک می‌کند در درون خود

ش وجودی را می‌سازد بنام وجود ذهنی در مقابل وجود عینی که در خارج قرار گرفته است. این وجود ذهنی با وجود عینی تطابق نداشته باشد که به آن حالت توهمی گفته می‌شود. به گفته ابن سینا اهمیت و نقش این قوه در حیوانات همان نقشی را ایفا می‌کند که عقل در انسان.

در انسان دو گونه جایگاه جهت جمع آوری اطلاعات وجود دارد، یکی حافظه و دیگری مصوره. در حافظه اموری مانند عداوت، محبت، علیت و معلولیت که اموری انتزاعی و معانی

معناست که زمانی که بیماری بر اشخاص مستولی می‌گردد در این زمان ممکن است اصوات را شنیده و یا چیزهایی را مشاهده نمایند که برای دیگران قابل دیدن و شنیدن نباشد که به نقل از ابن سینا "ممرورین" نامیده می‌شوند که برگرفته از قوه توهم و یا تخیل شخص می‌باشد. (۱۳) یعنی، بعضی افراد ممکن است صداهایی خارج از آنچه در اطراف خود هستند را بشنوند و یا حواس آنها چیزهای غریبی را درک می‌کند مانند خارش مغز و یا اشخاص و موجوداتی عجیب و یا حتی انسان که حقیقی و واقعی نیستند. تمام این توهمات می‌تواند از عوامل بیرونی و مصرفی باشد و یا می‌تواند از عوامل داخلی و مغزی باشد که بدون هیچ محرک بیرونی بوجود می‌آید. این اتفاقات عوامل مختلفی مثل بیماری‌های خاص روانی و آسیب‌های مغزی و مصرف داروهای خاصی دارد که این حالات را به وجود می‌آورد. (۱۴) اما در فلسفه اسلامی معرفت وهمی به معنای معرفتی است که در آن شخص مدرک از وجود خارجی (عینی) چیزی را در ذهن خود ساخته که با آن تطابق ندارد. در این عالم معانی جزئی نا محسوس را، که از طریق حواس دریافت نشده را می‌توان ادراک نمود. مانند احساس عداوتی که گوسفند از گرگ دریافت می‌نماید. (۱۵) در تعبیر دیگری از حکیمان مسلمان در تبیین واقعیت وهم این چنین می‌یابیم " آن چیزی که برخلاف عقل دستور و فرمان می‌دهد عقل و نفس انسان نمی‌باشد بلکه ادراکی است که فلاسفه آن را وهم نامیده اند. این ادراک همیشه نیازمند سابقه نمی‌باشد و در برخی مواقع درنخستین برخورد ایجاد می‌گردد. مانند گریختن گوسفند از گرگ اگر چه حتی قبلاً گرگ را ندیده باشد اما عداوت او را ادراک می‌نماید، اما از گاو نمی‌گریزد چرا که این ادراک را از گاو ندارد. (۱۶) این سینا معتقد است که ادراک وهمی دارای عدم قاطعیت است یعنی نمی‌تواند حکم یقینی و صددرصدی بدهد و از حد ظن و گمان فراتر نمی‌رود و شامل تصدیقی است که کمتر از پنجاه درصد می‌باشد (۱۷). به عبارت دیگر، ادراک کلی از مسیر درک جزئی می‌گذرد. یعنی

(۱۳)

در حقیقت باید عالم خیال را واسط میان عالم معقول و عالم محسوس مفروض داشت. خیال به لحاظ مرتبه، پایین تر از عالم عقل اما فراتر از عالم محسوسات قرار می‌گیرد، لیکن گستره عملکرد آن فراتر از عقل و حس می‌باشد؛ چراکه عقل متعلق به عالم مجردات است و ماده را به خود راه نمی‌دهد و حس نیز متعلق به عالم ماده بوده و مجردات از جمله عقل را به خود راه نمی‌دهد، از این جهت عالم خیال می‌تواند بین این دو ارتباط برقرار نموده و عقل و حس را در کنار یکدیگر قرار دهد. برخی فیلسوفان مسلمان در تبیین حقیقت خیال این گونه می‌گویند: خیال خزانه‌ای برای گرد آوری مدرکات قوه حس (مخزن صورته‌ها) و رابط محسوسات و معقولات است. این قوه آنچه را در مخزن خیال گرد می‌آید، تجزیه و ترکیب می‌کند (متصرفه)؛ برای معقولات صورت سازی می‌کند (متخیله)، و در تبدیل صورته‌ها به معقولات، ایفای نقش می‌نماید (متفکره). فقدان خیال در نظام ادراکی انسان، معادل نبودن معرفت است. قوای ادراکی ابزاری است که می‌تواند انسان را به سعادت یا شقاوت رهنمون سازد. مطیع بودن انسان در برابر فطرت و عقل از اهداف الهی، انبیاء و اولیای او بوده است " شاخصه این اطاعت، فرماندهی عقل بر وهم، حس و خصوصاً خیال می‌باشد. " (۲۰) خیال زمانی که از عقل تمکین نماید، حق می‌باشد و زمانی که از هوس تمکین کند، باطل می‌باشد. "از حیث معرفت‌شناسی، خیال اگر تحت مدیریت عقل درآید و تزکیه و تنزیه از امور مادی و توهّمات بیابد، ظرف علوم و معارف معنوی و صیادی برای صید معارف خواهد شد؛ زیرا استعداد اتصال به عالم مثال را پیدا می‌کند و ابزاری کارآمد برای ادراک حقایق می‌گردد. " (۲۱) امام علی می‌فرماید: «هر که در معاصی و لذت‌ها زیاد اندیشه (تخیل) کند، گناهان و لذت‌ها بر او غالب آید». خیال خاستگاه مواجهات ما با هر مسئله‌ای است از این روی، دلیل خاستگاه اراده و رفتار ما نیز می‌باشد. خیال با توانایی بی حد و حصر خود قادر است

جزئی غیرحسی بوده، ذخیره می‌گردد و در مصوره اطلاعاتی که شکل و صورت دارند و از حواس گرفته شده اند، ذخیره می‌گردد. لذا عقل و وهم دو نیرو هستند که می‌توانند در این اطلاعات تصرف کرده و از ترکیب و تفصیل آنها، مطالب جدیدی استنتاج و استنباط کنند. اما براساس اینکه افراد کدام قوه را برای تصرف در آن اطلاعات به کارگیرند متفاوت می‌باشد چرا که ممکن است یکی از وهم استفاده نماید و یکی از عقل. شئونی که بوسیله آن، احساس از درون هویدا می‌گردد، همان وهم و خیال است. احساسی که در پناه عقل نباشد وهم خوانده می‌شود و احساسی که در پناه عقل باشد خیال نامیده می‌شود. (۱۱) خطاپذیری وهم و سعی آن در غلبه بر عقل سبب بسیاری از افعال ناپسند اخلاقی، اختلال در مشاهدات عرفانی و مانع سیر و سلوک انسان شده و باعث ایجاد بیماری‌های روحی و روانی می‌گردد و با تقویت معنویت در انسان و غلبه عقل بر وجود انسان می‌توان ار وسوسه‌های شیطانی در امان مانده و جلوگیری نمود از استیلاي وهم و ایجاد افکار باطل و خیالات فاسد که باعث بیماری‌های جسمی و روانی می‌گردد.

منبع خیال (معرفت خیالی - مثالی)

از دیگر منابع شناخت و معرفت آدمی قوه خیال است. معرفت خیالی یعنی زمانی که بتدریج اطلاعات حسی وارد مغز شده و در آنجا در صورت‌های ذهنی دخل و تصرفاتی اتفاق افتد. به عبارتی دیگر خیال بمعنای محدودتر آن، به قوه خاصی از نفس اطلاق می‌گردد. تولید تکنولوژی و محصولات ایجادي توسط انسان بوسیله این قوه شکل می‌گیرد.

ابن سینا تخیل را تداوم فرایند انتزاع دانسته و بدون تماس واقعی با جهان مادی از طریق اندام‌های حسی غیر ممکن می‌داند در نظر او صور تخیلی مانند صور محسوس، در بخش مشخصی از مغز نقش بسته اند. او معتقد است که خیال گاهی علاوه بر آنچه از حس ظاهر گرفته است اشیای دیگری را که از راه ترکیب و تفصیل نیروی مفکره به دست می‌آیند نیز نگهداری می‌نماید.

در خدمت صلاح و فلاح انسان بوده و یا در خدمت سقوط و شقاوت او قرار گیرد. خیال برای نفس ابزاری است که قادر است سعادت یا شقاوت انسان را منتج گردد. با نگرش به ماهیت ابزاری خیال، اهمیت نفس در کیفیت بهره گیری از خیال، و صحیح یا ناصحیح بودن این به کارگیری را خاطر نشان می‌سازد. به کارگیری صحیح و اشتباه از خیال در همراهی یا بدون بهره گرفتن از عقل، مستتر می‌باشد. "شیطان با استفاده از دستگاه ادراکی (خیال و واهمه) وسوسه میکند و با ایجاد علاقه، انسان را می‌فریبد: "هر چه انسان به نشئه عقل نزدیکتر شود، کثرت، پراکندگی، تفرقه و تشتت در وجود او کمتر و حیاتش به مقام وحدت نزدیکتر میشود. اگر آدمی به دنبال وحدت درونی خود است، باید از مرتبه حس و خیال ترقی کند و به قلمروی عقل، وارد شود و تحت فرماندهی آن، هم عالمانه گزارشهای نظری خود را به خدا مربوط سازد و هم عادلانه و صالحانه، گرایشهای عملی خویش را به مسیر عبودیت حق تعالی باز گرداند" (۲۰) بنابراین قوه خیال چنانچه در خدمت سعادت و بهره گیری صحیح قرار گیرد ابزاری مؤثر جهت سلامت روان و مقابله با استرس و اضطراب می‌باشد.

منبع عقل (معرفت عقلی)

از دیدگاه فلاسفه اسلامی به کارگیری قوه عقل در حصول معرفت، تعقل نامیده می‌شود که قوای حسی و خیالی را فرمان می‌دهد. فعالیت‌های ادراکی عقل شامل: مفاهیم کلی، تجزیه و ترکیب مفاهیم، تصدیق بی واسطه عقلی و استدلال می‌باشد. از این جهت که درک مفاهیم کلی و تجزیه و ترکیب مفاهیم، متعلق به حوزه تصورات می‌باشد لذا دارای ارزش معرفتی نمی‌باشند. از منظر عالمان متاله، معرفت عقلی از طریق براهین عقلی با علم و دانش حصولی بدست می‌آید. بسیاری از اصول عقاید که با توجه به وحی و یا به کمک معرفت دینی حاصل گردیده، هیچ گاه برخلاف عقل نبوده است. این مدعا را در قاعده کلی مشهور

می‌توان دریافت: "کلما حکم به العقل حکم به الشرع" یعنی هر آنچه عقل به آن حکم نماید، شرع نیز به آن حکم می‌کند. آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که اشاره به وجود عقل، بعنوان یکی از منابع معرفتی در وجود انسان می‌باشد. (بقره/۲۴۲، آل عمران/۱۹۰، انعام/۶۵) خداوند نیروی عقل را در اختیار انسان‌ها قرار داده تا جهت درک واقعیتها از آن استفاده نمایند و گرنه مورد ملامت و سرزنش قرار می‌گیرند.

اسلام همواره به تعقل و خردورزی بها داده است و آن را به عنوان یکی از منابع اصیل معرفت به رسمیت شناخته و برای آن اهمیت فوق العاده‌ای قائل بوده است. قرآن به تفکر و تعقل در تمام امور سفارش می‌نماید. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: "أَصْلُ الْعَقْلِ الْفِكْرُ وَ تَمَرَّتُهُ السَّلَامَةُ" سلامتی ثمره عقل است. (۲۲) و همچنین ایشان می‌فرمایند: العقل الشفا: عقل، شفا و درمان است. (۲۱) و در جای دیگر می‌فرمایند: لا مَرَضَ أَعْنَى مِنَ قَلْبِ الْعَقْلِ: هیچ مرضی آزار دهنده‌تر از بیخردی نیست. (۲۲). لذا می‌توان دریافت که افرادی که در مسیر کمال عقل قدم برمی‌دارند در مسیر سلامتی حرکت می‌نمایند. چرا که کمال عقل نشان از سلامتی دارد. از آنجایی که از ملزومات سلامت جسم، سلامت معنوی می‌باشد لیکن سلامت معنوی منوط به سلامت عقل می‌باشد. علامه جوادی می‌فرمایند: شرط سلامت حقیقی، سلامت در عقیده و عمل صالح بر مبنای علم صائب است؛ که عصاره آن عقل است. تعادل عقل نظری و عملی، سلامت حقیقی در پی دارد و شفای امراض نظری و عملی در انسان را در بهره گیری از رهنمودهای قرآن می‌باشد. از این رو شفای تمام امراض روش و حیانی که بهترین روش انسان‌شناسی و رجوع به قرآن و عمل به تعالیم آن می‌باشد. (۲۲)

اشراق و شهود باطنی (الهام قلبی)

یکی از ویژگی‌های قلب و حقیقت قلبی انسان، کشف و شهود است که این حقیقت مرتبط به پروردگار می‌باشد.

يَعْمَلُونَ"سوره انعام آیه ۱۲۷

معنویت: "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ"سوره نحل آیه ۹۷

آرامش: "الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ"سوره رعد آیه ۲۸

اندیشه: "فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ"سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸

در مقابل آن از قلب بیمار در قرآن نیز با تعبیر زیر اشاره شده است:

گمراهی: "وَلَا تَطْعَ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا"سوره کهف آیه ۲۸

نفاق و درویی: "فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ"سوره البقره آیه ۱۰

جهل و تعصب: "إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا"سوره فتح آیه ۲۶

بی خردی: "أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا"سوره محمد آیه ۲۴،

انکار: "فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ"سوره اعراف آیه ۶۴

انسداد فکر و اندیشه: "إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ."سوره نجم آیه ۲۳

لذا عمل نمودن به دستورات الهی بر اساس قلب سلیم، موجب آرامش درونی، درک حقایق و حفظ تعادل روانی شده و بی توجهی به دستورات الهی موجبات اختلالات روحی و روانی می‌گردد. لذا قلب سلیم قادر به تأمین سلامت معنوی در وجود انسان می‌باشد که ممانعت نموده از بسیاری از امراض روحی و

کشف و شهود در تمام مراتب آن مختص به قلب و حقیقت قلبی انسان بوده و حصول به کشف و شهود در هر مرتبتی از مراتب هستی منحصر با قلب و حقیقت قلبی می‌سور می‌باشد. قلب در قرآن در بر دارنده روح و نفس انسان می‌باشد (۲۳) که سوای از جسم، سهم اساسی وجود آدمی را تشکیل داده؛ که حاوی شخصیت، باورها، اخلاقیات و سلامت روحی و روانی انسان می‌باشد(۲۴). امام خمینی(ره) در رابطه با جایگاه قلب می‌فرماید: «قلب انسانی لطیفه‌ای است که متوسط است بین نشئه مُلک و ملکوت و عالم دنیا و آخرت. یک وجهه آن به عالم دنیا و مُلک است و بدان وجهه تعمیر این عالم کند و یک وجهه آن به عالم آخرت و ملکوت و غیب است و بدان وجهه تعمیر عالم آخرت و ملکوت نماید. پس قلب به منزله آینه دورویی است که یک روی آن به عالم غیب است و صور غیبیه در آن منعکس شود و یک روی آن به عالم شهادت است و صور مُلکیه دنیاوی در آن منعکس شود و صور دنیاوی از مدارک حسیه ظاهریه و بعضی مدارک باطنه، مثل خیال و وهم، در آن انعکاس پیدا کند و صور اخرویه از باطن عقل و سر قلب در آن انعکاس پیدا کند.» (۲۵)

در قرآن قلب به معنای فواد می‌باشد اما در برخی آیات نیز به معنای عقل هم بکار برده شده است مانند سوره حج آیه ۴۶ که خداوند می‌فرماید: "أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا"در این آیه وسیله تعقل، قلب می‌باشد. علامه طباطبایی در تفسیر سوره ق آیه ۷ بیان نموده اند که «قلب چیزی است که انسان بوسیله آن تعقل می‌کنند و در نتیجه حق و باطل و خیر و شر را از یکدیگر تمیز می‌دهد.» (۲۶) از این رو می‌توان اذعان داشت که قلب مورد نظر در قرآن کریم قلب سلیم می‌باشد که با تاویلی حاوی مفاهیم ذیل می‌باشد:

خشنودی و شادمانی: " قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ"سوره یونس آیه ۵۸

سلامت: " لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا

روانی از جمله اضطراب و استرس، افسردگی، پوچی، ناپهنجاری روانی .

بحث

در این پژوهش نگارنده از بعد معرفت شناختی به بررسی سلامت معنوی پرداخته است. توصیف و تبیین نسبت میان سلامت و معنویت باعث ارائه الگویی مناسب از تعامل و ترابط معنویت و سلامت گشته که در نهایت به اصلاح دنیا و آخرت بشر ختم می‌گردد. جهت حصول به پاسخی مستوفی در باب معنای سلامت انسان، بایستی از چشم انداز فلسفی کاملی به انسان نظر نمود که عنایت ویژه‌ای به کل ابعاد وجودی وی داشته باشد. از آنجایی که اسلام دین توحیدی بوده افزون بر اذعان داشتن به کاربرد حس، تعقل، شهود و اشراق در حوزه‌های خویش، قرآن و سیره نبوی را به عنوان ماخذ پایدار و بدون خلل در راستای معرفت‌شناسی به بشر اهدا نموده است. و همچنین اسلام می‌تواند کل ابعاد وجودی انسان و تمام ابعاد سلامت را در پارادایم دینی تبیین نموده و اثربخشی وضعیت روحی انسان بر سلامت یا بیماری جسم او را بیان داشته و روشهای ثمربخشی جهت التیام آلام روحی بیماران عرضه نماید. از چشم انداز دین اسلام و رویکرد شناخت‌شناسانه و علم الهی، جوهر وجودی انسان روح می‌باشد. بدین مفهوم که وجود انسان به کالبد هیولانی منحصر نشده بلکه انسان حائز ابعاد روحانی و جسمانی بوده که این ابعاد در ارتباط با یکدیگر اثر بخشی و اثر گذاری داشته از این رو جهت مبحث سلامت باید توجه ویژه‌ای به تمام ابعاد وجودی انسان گردد و مولفه‌های آن در تمام ابعاد بایستی تبیین گردد تا سلامت از بعد شایسته ارزیابی گردد از منظر مبانی شناخت‌شناسانه، انسان ادراکاتی دارد که عرصه وجودی آن بالاتر از عالم هیولانی می‌باشد. این ادراکات حاوی ادراک حسی که در بدن و جسم مادی انسان قرار دارد. قوه خیال که محدودیت جسم مادی را ندارد اما شکل و صورت ماده را در خود دارد. و ادراکات عقلانی

که نه جسم مادی و صورت ماده را در خود ندارد. و به کلیات می‌پردازد و فهم می‌کند. برخی آنرا جزئی از عالم روح دانسته اند (به لحاظ ماهیت غیر مادی آن) و البته عالم روح یا نفس انسان است. در این نگاه معرفت‌شناسانه بدن مرتبه نازله نفس خوانده می‌شود. و از عالم روح یا نفس انسان تاثیر می‌پذیرد. و کالبد تن نفس است که نفس در آن کالبد تصرف و بدان تعلق داشته و آثار وجودی روح و عالم نفس در این بدن جسمانی پیاده می‌گردد. به تعبیر ژرف بینانه، نفس در بردارنده روح مجردی است که به نفس ناطقه یا روح انسان بسان درختی است که جمیع قوا شاخه‌های اویند و انسان یک هویت واحده است و در حقیقت عامل موثر در انسان همان نفس ناطقه است و همه ادراکات از جمله ادراکات جسمانی، خیال و عقل جملگی وابسته به نفس انسان بوده و هیچ کدام از این ادراکات فی نفس از خود استقلالی نداشته. بدین سبب از دستاوردهای مبانی شناخت‌شناسانه، روح و نفس انسان است که صحت بدن تابع آن می‌باشد. بدین معنا که سلامت جسمانی مستلزم سلامت روح بوده که در حقیقت از این مرحله است که سلامت معنوی نضج می‌یابد.

نتیجه‌گیری

می‌توان در این نوشتار استنتاج نمود که براساس مبانی دین اسلام، سلامت و صحت جسمانی بایستی در ملازمت سلامتی روح باشد که مستلزم موازنه قوای جسمانی، وهم، خیال و عقل و قلب می‌باشد که این موازنه هنگامی به ثبوت می‌رسد که سلامت نفس و سلامت معنوی محقق گردند. بنابراین در این پژوهش تلاش گردید تا به بررسی هر کدام از ادراکات معرفت شناختی و تاثیر آن بر سلامت معنوی پرداخته شود از آنجایی که انسان دارای ابعاد وجودی مختلفی است اما حقیقت انسان، روح متعالی اوست و سلامت حقیقی او نیز مربوط به بُعد معنوی انسان است و سلامت دیگر ابعاد باید به عنوان مقدمه‌ای برای آن لحاظ شود، نه برعکس. معنویت به دلیل فراهم کردن چارچوبی برای توصیف

می‌تواند تاثیر اساسی بر سایر ابعاد سلامتی از جمله سلامت جسمانی و سلامت روحانی و اجتماعی افراد نیز داشته باشد.

تجارب زندگی و ایجاد حس یکپارچگی و اتصالات وجودی، به ارتقاء سلامت روان کمک می‌کند از این رو سلامت معنوی



منابع

1. Brown L. Oxford English Dictionary. Oxford, UK: Clarendon Press; 1993
2. Ellison CW. Spiritual Well-being: Conceptualization and Measurement. *Journal of Psychology and Theology* 1993; 11(4): 330-340.
3. Misbah, M. , Mohammadi, A. Epistemology. Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute. 2017;9 [Persian]
4. Esfahani, S. M. Spiritual Health and Perspectives. *Journal of Medical Ethics*. 2009; No. 14: 41-49 [Persian]
5. Azizi F. Mental health; What, why and how it was published. Tehran: Hoghughi Publication; 2014: 31 [Persian]
6. Amadi A. Tasnif Gharr al-Hakam wa Darr al-Kalam. Qom: Islamic Media School, Publishing Center, 1987. [Persian]
7. Motahari, M. cognition. Qom: Sadra Publications, 1989;
8. Pirouzmand, A. Explaining the relationship between faith and science (orientation of science). Tehran: Chehar Publishing House, 2016
9. Maithami, S. Mulla Sadra, Tehran: Namek. 2017; 64[Persian]
10. Misbah, M., Mohammadi, A. Epistemology. Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute. 2017;106 [Persian]
11. Beheshti, Mahmoud, mental and physical health, digital book, <https://www.ghbook.ir/>
12. Alpar ŞE, Şenturan L, Karabacak Ü, Sabuncu N. Change in the health promoting lifestyle behaviour of Turkish University nursing students from beginning to end of nurse training. *Nurse Education in Practice* 2008; 8(6): 382-8
13. Ibn Sina, H. Al-Esharat va Tanbihat, Qom: Nashr al-Balagha, 1996;Vol. 1, 334,472. [Persian]
14. Makhdomi,A. , The difference between illusion and hallucination (teaching solutions). 2023. (<https://drmakhdoumi.com/difference-between-illusion-and-hallucination/>)
15. Malekshahi, H. Translation and description of Ibn Sina's Al-Esharat va Tanbihat, Tehran: Soroush Publishing House. 2006; 185[Persian]
16. Sadr al-Mutalahin Shirazi,M. Al-Hekmat al-Mutala'i fi al-Asfar al-Aqli al-Araba. Beirut: Dar Ahya al-Tarath. 1989;Vol. 8: 34,158 [Persian]
17. Ibn Sina, H. Al-Esharat va Tanbihat, Qom: Nashr al-Balagha, 1996;Vol. 3, 232. [Persian]
18. Tusi, kh. N, Sharh al-Isharat and al-Tanbiha. Qom: Nashr al-Balagha, 1983; vol. 2. 345[Persian]
19. Sadr al-Mutalahin Shirazi. Mabda va Moaad. Tehran: Academic Publishing Center. 1983;278,449 [Persian]
20. Javadi Amoli, A. The true life of man in the Qur'an, Qom: Esra. 2002; 120-121 [Persian]
21. Javadi Amoli, A. Raheeq Makhtoum, Volume 1/1, Qom: Esra Publishing Center. 2006;74 [Persian]
22. Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad , anthology of Ghorrar al-Hakm and Durr al-Kalam, revised by: Mustafa Daraiti, Qom: Tablighat Office, 1987;52[Persian]
23. Javadi Amoli, A. Tafsir of Man to Man, Esra Publishing House, Qom, 2006;64-65
24. Tabatabai MH. Tafsir-Al-Mizan. Beirut: Daralkotob; 2014;(2) : 223. [Persian]
25. Akhlaghi M. Shariatmadari, M. Anthropology in the thought of Imam Khomeini (PBUH), Imam Khomeini (PBUH) Editing and Publishing Institute, 2007; 210-211[Persian]
26. Tabatabaei, M. H. , Al-Mizan fi Tafsir Qur'an, Qom: Islamic Publication Institute, 1972;)18(, 356[Persian]

The Approach of the Spiritual Health Model Based on Epistemological Perceptions

Maryam Shamsai¹, Seyed Ziaadin Tabei²

Abstract

Background and Objective: One of the topics to be pondered in the aspect of the foundations of spiritual health from the perspective of Islam is the relationship between epistemological foundations and health. For this reason, it requires deep insight and theorizing of thinkers in religion and health. In this research, the aim is to express the approach of the spiritual health model based on epistemological perceptions.

Methods and Materials: In this research, a descriptive, analytical, and inferential method has been used using library resources to describe the concepts, and analyze and explain the problem.

Results: To get a satisfactory answer about the meaning of human health, it is necessary to look at the human being from a complete philosophical perspective, which should pay special attention to all aspects of his existence. Since Islam is a monotheistic religion, in addition to recognizing the use of sense, reasoning, intuition, and illumination in its fields, it has given the Qur'an and the prophetic life a stable and uninterrupted source for epistemology. Also, Islam can explain the whole dimensions of human existence and all dimensions of health in the religious paradigm, express the effectiveness of a person's mental state on the health or illness of his body, and offer fruitful methods for healing the mental pains of patients.

Conclusion: With an epistemological look at the body, we find that the body is the lower order of the soul. The body of the soul is the body to which the body is possessed and belongs, and the existential effects of the soul and the world of the soul are carried out in this physical body, therefore, it is one of the achievements of the cognitive foundations of the human soul and the soul, to which the health of the body is subordinate.

Keywords: Spiritual Health, Epistemology, Perceptions

1. Associate Professor, Islamic Studies Department and Quran, Hadith and Medicine Research Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran shamsaie2008@yahoo.com

2. Professor, Department of Medical Ethics-Pathology, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran ethics@sums.ac.ir